



# اسرار عالم آفرینش



آیه الله جوادی آملی

قسمت دوم

آفرینش را این چنین تنظیم نموده که آسمان بالا و زمین پائین باشد. البته چون مخاطب «الله» انسان است از این روبه زبان او سخن می گوید و تنظیم و تدبیر عالم را بدینگونه تبیین می فرماید و گرنه این کراتی که در فضا معلق اند، کسی و چیزی بالا و پائین آنها نیست. وقتی که «آپولو» از زمین برای سفر فضائی براه می افتد خیال می شود به طرف بالا حرکت می کند ولی در حقیقت چنین نیست چرا که هر کره ای در فلک خود سیر می کند و در فضای لایتنهای معلق است. بنابراین اینکه آسمان را مرفوع و زمین را موضوع معرفی می نماید به لسان ما حرف می زند تا تقریب اذهان شود.

## توجه به معاد

در اینجا بحث در اصل خلقت و آفرینش آسمانها است و یک بحث در تحکیم آنها «أنتم اشد خلقاً ام السماء بنیها» آیا خلقت شما سختتر است یا آسمان که آن را بنا ساخت. و یک بحث هم در نظم آسمانها می باشد و این برهان نظم است که می فرماید: آسمان را بلند و زمین را پست و مسیر شمس و قمر را مسخر ساخت تا شما متوجه شوید که کل این نظام آفرینش هدفی دارد و شما بی مقصد نیستید و مقصد شما معادتان می باشد «لعلکم بقاء ربکم توقنون». تا ایمان بقاء الله یابورید و بدانید با مردن ازین نمی روید. همانا شما مانند یک درخت نیستید که پسوسید و دیگر اثری از شما باقی نمی ماند بلکه مانند یک پرنده اید که از قفس تن به بیرون پر می کشید و از عالمی به عالم دیگر منتقل می گردید.

«بغیر عمد» ممکن است آسمانها ستون مادی نداشته باشد و آن جاذبه هم که نگهدار درون آنها است داخل سماوات است که یکدیگر را حفظ می کنند، مجموعه این کهکشان روی جاذبه درونی که بمنزله ملاتهای متقابل است یکدیگر را نگه می دارند، اما کل

خداوند برای هدایت و راهنمایی بشر دو حجت فرستاده است: ۱- حجت تکوینی ۲- حجت تدوینی. حجت تکوینی مطالعه در اسرار عالم است که حجت بالغه حق می باشد و حجت تدوینی کتاب آسمانی است. قرآن کریم در دومین آیه از سوره «رعد» در رابطه با تبیین ربوبیت می فرماید: «الله الذی رفع السموات بغیر عمد ترونها ثم استوی علی العرش وسخر الشمس والقمر کل یجری لأجل مستی یدبر الأمر یفصل الآیات لعلکم بقاء ربکم توقنون».

خدا همان کسی است که آسمانها را بدون ستون مرئی آفرید و بر عرش استیلا یافت و خورشید و ماه را مسخر ساخت و هر کدام تا زمان معینی حرکت دارند. او کارها را تدبیر می کند و آیات را تبیین و توضیح می نماید تا به لقاء پروردگارتان یقین پیدا کنید.

## خلقت آسمانها بدون ستون

چنانچه ملاحظه می شود در آغاز این آیه، قرآن مسأله ربوبیت را مطرح نموده و سپس توجه به معاد را بعنوان نتیجه گیری گوشزد کرده است. مشرکین، خلقت آسمانها و زمین را قبول داشتند و خالق آنها را خدا می دانستند ولی شرک آنها در مرحله ربوبیت و تدبیر عالم بود که این کار را بدیگران واگذار می کردند، لذا قرآن در کیفیت تدبیر و نظام بحث می کند. در این آیه می فرماید آن مبدئی که آسمانها را بی ستون نگه می دارد خدا است، یا بدون ستون مرئی بنابراین جمله «بغیر عمد ترونها» محلاً مجرور و صفت «بدون عمد» است یعنی بدون اینکه شما ستونی را ببینید، خداوند آسمانها را حفظ کرده است.

در سوره «الرحمن» در دو آیه جداگانه می فرماید: «والسمااء رفعها ووضع المیزان» و در آیه دیگر: «والارض وضعها للانعام» خدا نقشه



کار خداست ولی اینطور بهتر و آسانتر قابل درک است و این طبیعی است زیرا معجزه بهتر انسان را به خدا آگاه می کند تا امر عادی. البته آنها که جزه او حدی بشر بودند هرگز از انبیاء معجزه نخواستند، صحابه خاص هیچ گاه از رسول الله صلی الله علیه و آله معجزه نخواستند، برای اینکه کسی که با برهان عقلی به وجود خداوند پی می برد، چه نیازی به معجزه دارد؟ کسانی حاجت به معجزه دارند که قدرت استدلال عقلی ندارند، و چنانچه امیرمؤمنان علیه السلام در خطبه قاصعه نقل می فرماید: باید به چشم خود ببینند درخت از ریشه کنده شود و بطرفشان حرکت کند و شاخه هایش را روی دوشهایشان بگستراند تا آنگاه به وجود خداوند معتقد شوند، ولی اگر یک حکیم دانا در آفرینش همان درخت اندیشه نماید، به وجود باری تعالی ایمان می آورد. و نیازی به حرکت درخت ندارد تا بخدا ایمان بیاورد و یا قیامت را باور نماید. همینقدر کافی است، این آیه مبارکه را ببیند که می فرماید: «أأنتم تزعمونه أم نحن الزارعون» تا پس از مطالعه و بررسی، به وجود زارع حقیقی و پروردگار خود پی ببرد و به او معتقد گردد.

صحابه خاصی معجزه قولی را بالاتر از معجزه فعلی می دانستند و به همان سخنان الهی که با برهان قطعی همراه بود ایمان می آوردند و نیازی نداشتند که ببینند سنگریزه در دست حضرت تسبیح می گوید و لذا هرگز نمی گفتند: شما مرده را زنده کنید، مگر آنهمه بشری که قبلاً بودند خاکهای مزرعه ها نشده بودند؟ حضرت ابراهیم (ع) هم نگفت مرده را زنده کن، بلکه گفت: به من نشان بده چگونه مرده را زنده می سازی؟ «وَبَشِّرِ الصَّالِينَ الَّذِينَ إِذَا أُوتُوا أَمْوَالَهُمْ أَنَّهُمْ لِلْأَنْفُسِ الْوَالِيَةِ»

در مورد احوال اموات سه مسأله است که عالی ترین مرحله اش را حضرت ابراهیم (ع) مسئلت نمود. در سؤال ابراهیم مسأله اموات و مسأله زنده ساختن مردگان نیست بلکه مسأله چگونه زنده ساختن آنها است. در پاسخ سؤال ابراهیم فرمود: «فخذاربعه من الطير فضرهنّ البك ثم اجعل على كل جبل منهنّ جزءاً ثم اذهنّ بأبنيك سبعاً» چهار پرند بگیری و گوشت آنها را بهم در آمیز نزد خود. آنگاه هر قسمتی را بر سر کوهی بگذاری پس آنها را فراخوان تا بسوی تو شبان پرواز نمایند.

این ظهور قدرت الهی است بدست خلیل الله. مردمی که الآن هستند، اگر خوب بشگریم روزی خاک صحراها و باغها بودند و بصورت میوه و گندم و برنج در آمدند و پس از آن نطفه شدند و سپس از ما بین صلب و ترائب خارج شده و بدنیا آمدند، حال پیامبر برای اینکه خود را به آنها معرفی کند آیا حتماً لازم است مرده ای را در قبرستان زنده نماید تا اصحاب او ایمان بیاورند؟! خیر، آنها در برابر

این مجموعه ستونی ندارد، زیرا جاذبه داخل عالم است نه بیرون از آن. پس بیرون جهان طبیعت چیزی نیست که ستون آن باشد و از بیرون آن را حفظ نماید، ولی عماد به معنی نگهدارنده برای آن ضروری است و نگه بان خداست. اینک در بعضی ادعیه آمده است «یا عماد من لا عماد له» ای تکیه گاه کسی که تکیه گاهی ندارد، برای این است که خداوند تکیه گاه و مُعتمد مؤمنین است و همانا او نگهدارنده هر شیشی است و در مورد آسمانها ملاحظه می شود که، ستون مرئی ندارند و اگر ستون مرئی داشتند مردم می گفتند که به این ستون متکی هستند، پس اکنون که ستونی دیده شدنی ندارند، بی گمان انسان بهتر و زودتر به مقصد خلقت پی می برد و می فهمد که دیگری آنها را نگهداشته است و آسمانها را بالا و زمین را پائین (به صورت ظاهر) قرار داده است و از این روی می تواند درک کند که این آسمانها حافظ و نگهدارنده ای دارد که آنها را بدون ستون معلق قرار داده است و همو خداوند عالمیان است.

### آسمان چیست؟

«سما» به معنی «کلّ ما علا» است یعنی هر چه در بالا قرار بگیرد و در اینجا که به «سماوات» تعبیر شده، مقصود همان منظومه های شمسی و کرات و اجرام سماوی است. و چون «سما» که به معنی سمت بالا است پس نیازی به ستون ندارد، لذا صفت «بغير عمد ترونها» در مورد سموات آمده است نه در مورد «سما». بنابراین، وقتی می فرماید: «وانزلنا من السماء ماء» - از آسمان آب نازل کردیم، یعنی از طبقات بالا و این غیر از آسمانها است که به معنای اجرام سماوی می باشد. البته «سما» بمعنای فلکی هم در موارد زیادی ذکر شده است که اکنون جای بحث از آن نیست. و اما «سبع سموات» نه همین هفت آسمانی است که دیگران می گفتند و آنچه را هم که چشم ما می بیند و رصدخانه ها کشف می کنند ظاهراً تمام آنها را قرآن کریم آسمان اول می داند. «أنا زينا السماء الدنيا بزينة الكواكب» ظاهر این آیه شریفه، این است که آنچه بنام ستاره ها دیده می شود همه و همه در آسمان دنیا می باشند و به شما نزدیکند و اما آن شش آسمان دیگر تیین نشده است.

### معجزه برای انسانهای عادی است

در هر صورت آسمانها را بدون ستون نگهداشته و اگر هم با ستون نگه می داشت باز کار خدا بود، حالا هم که بی ستون نگهداشته،



معجزات قولی خضوع می نمودند و نیازی به معجزه نداشتند و این توده مردم بودند که معجزات فعلی می طلبیدند، و گاهی بقدری لجاجت می کردند که این معجزات نیز در آنها تأثیری نمی گذارد، مگر اصحاب حضرت موسی آنهمه معجزات را از کلیم الله ندیدند. و از دریا با آن صورت معجزه آسا نگذشتند ولی در عین حال بلنبال سامری راه افتادند! اینگونه افراد نمی توانند درک کنند که این معجزه از کجا پیدا شده است و نمی توانند فرق میان سحر و معجزه بگذارند لذا اگر ساحری شعبده ای را انجام داد و مرده ای را پخیال آنها زنده کرد، بدنبالش راه می افتند، چرا که وقتی عقیده ای مبنای فکری نداشته باشد صاحب آن عقیده زودتر مضطرب و متزلزل خواهد شد، لذا قرآن کریم می فرماید: «بِفَضْلِ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ» - خداوند آیات الهی را بطور تفصیل بیان می نماید تا شما در آنها خوب بیندیشید و یقین پیدا نمائید.

مرحوم ابن طائوس می گوید: من کسانی را می شناسم که می دانند لیلۃ القدر کدام شب است، سپس می افزاید: تعجب نکنید که انسان به جایی برسد که بداند لیلۃ القدر چه شبی است؟ تعجب در این است که یک مشت جناک چگونه به یک قطره ای تبدیل شده و بعد به صورت یک موجودی درآید که همه بشر برای شناسانش در تلاشند. مگر نه این است که شما هنگامی که وارد کتابخانه ای می شوید، یک میلیون کتاب را در آنجا می بینید که شمار مهمی از آن درباره شناخت انسان است، مثلاً درباره روانشناسی، جامعه شناسی، حقوق و دیگر مسائل مربوط به انسان و در عین حال انسان هنوز بصورت موجودی ناشناخته باقی مانده است.

بنابراین، در قرآن کریم بحث درباره آسمانها در سه مرحله خلاصه می شود:

- ۱- تبیین نظام داخلی آسمانها و زمین که قرآن بطور اجمال تشریح فرموده است.
- ۲- تبیین نظام فاعلی آنها که این کارها بدست چه کسی انجام گرفته است.
- ۳- تبیین نظام غائی که مهمتر از دو مرحله قبلی می باشد.

### نظام آفرینش، نظامی است علمی

مرحله نخست را علم، تعقیب و پی گیری می نماید و در نتیجه به نظام محیرالعقول خلقت پی می برد و در عین حال به این حقیقت آگاه می گردد که بسیاری از اسرار آفرینش هنوز لاینحل باقی مانده و در آینده با کمک علم می بایست حل گردد. این مرحله است که

تمام قوافل بشری را بدنبال خویش کشانده و علم را هم تابع خود نموده است چرا که خود، عین علم محتمل است. وقتی ما وارد کتابخانه ای شویم و چند هزار جلد کتاب در آنجا مشاهده نمائیم خواهیم گفت: اینها علوم اند و دانشمندی که هر کدام به نوبه خود گوشه ای از محتویات آنها را می دانند علمایند، با اینکه آن دانشمندان و مؤلفان آنها شاگردان این نظام داخلی اند که تنها قسمتی از آنچه را در نظام است فهمیده و نوشته اند، پس چگونه متن نظام که معلم هر دو است نظام علمی نخواهد بود؟

بنابراین نظام آفرینش نظامی است علمی زیرا همه مضامین کتاب از آن نشأت گرفته و تمام علما از آن سخن می گویند، پس عالم علم محتمل است و آنچه مهم است نظام فاعلی است که معین می سازد نظام داخلی بدست کیست؟ و آنچه اهم است پی بردن به نظام غائی است که این عالم برای چه خلق شده است؟ چرا که نظام فاعلی را بسیاری از افراد می پذیرند ولی نظام غائی را قبول ندارند، و اعتقاد به چنین خدائی هم که بدنبالش اعتقاد به قیامت نباشد مسئولیت نمی آورد، و لذا وثیقین حجاز به مبدأ منهای معاد معتقد بودند، یعنی اعتقاد به خدائی که فقط خلق کرده و از انسان مسئولیتی نمی خواهد و چنین خدائی برای آنها سود و زیانی نداشت، لذا او را پذیرفته بودند ولی از «رب العالمین» و معاد گریزان بودند.

### تبیین نظام داخلی

یکی از اسرار قرآن کریم این است که نظام داخلی را با عبارتهای گوناگون تبیین می نماید تا آنها را به نظام غائی بکشاند و بفهماند که برای چه هدف و منظوری خلق و آفریده شده اند، لذا در مورد نظام داخلی می فرماید: آسمانها و زمین بسته بودند و ما بازشان نمودیم «وَأَوَّلَمَّ يَرَاءَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ فَفَلَا يَوْمُونَ». <sup>۳</sup> آبا کافران ندیدند که آسمانها و زمین بسته بودند و ما آنها را شکافتیم و از آب هر چیزی را زنده گردانیدیم.

برخی چنین تفسیر نموده اند که: آسمان و زمین معدوم بودند ما آنها را آفریدیم. و برخی گفته اند آیه به این معنا اشاره دارد که از آسمان باران نمی بارید و از زمین آبی نمی جوشید، و ما چشمه ها و چاه ها را از زمین جوشاندیم و آسمان را مشبک ساختیم که بارد، و بعضی دیگر تفسیر نموده اند: کل آسمان و زمین در اصل یک ماده و قوه بسته بود، ما آن را باز کردیم، زمین را گسترديم و آسمان را به هفت طبقه آفریدیم و بصورت آسمانهای سبعة در آوردیم.



و در سوره «فضلت» می فرماید: «وَأَمَّا أَسْمَاءُ فَالْتَأْتِنَا طَائِعِينَ فَضْبِهِنَّ سَبِيحَ سَمَوَاتٍ فِي يَوْمٍ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَقْنَا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ»<sup>۴</sup>

سپس اراده آفرینش آسمان فرمود، در حالی که به صورت دود بود، به آن و به زمین دستور داد به وجود آید و شکل گیرید خواه از روی اطاعت خواه با اکره، آنها گفتند: ما از روی طاعت می آئیم. در این هنگام آنها را بصورت هفت آسمان در دو روز آفرید و آنچه را می خواست در هر آسمان مقرر فرمود و آسمان پائین را با چراغهای (ستارگان) زینت بخشیدیم و (با شهابها) از استراق سمع شیاطین حفظ کردیم، این است تقدیر خداوند دانا. این آیه نشان می دهد که آسمان و زمین در جمع یک ماده ای بودند که خداوند متعال آنها را از هم گشود. و در سوره مبارکه بقره فرموده «ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ»<sup>۵</sup>

آنچه در سوره های انبیاء، بقره و فضلت آمده گوشه ای از نظام داخلی آسمانها را تبیین می نماید و در آیه دیگر در سوره انبیاء درباره آسمان می فرماید: «وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَفْهًُا مَحْفُوظًا»<sup>۶</sup> اما آسمان را بصورت سفی محفوظ از آسیب، یا از سقوط و یا از نفوذ شیاطین قرار دادیم.

و در همین سوره مورد نظر، (یعنی در سوره رعد) می فرماید: «اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا» آسمانها را بدون ستون و یا بدون ستون دیده شدنی نگه داشت یعنی ستون دارد شما آن را نمی بینید ولی این تعبیر که بگوئیم بی ستون است شاید نزدیک تر به واقع باشد، چنانچه در سوره «نحل» درباره پرندگان می فرماید: «الْم يَرَوُ السَّيِّدِ الْمَطِيرِ مَسْرَاتٍ فِي سَوَاتِمْ هَا يَسْبِيحُهُنَّ اللَّهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ»<sup>۷</sup> آیا به پرندگان نمی نگردد که فضای آسمان مسخر آنها است و به جز خدا کسی نگهدارشان نیست. در این امر آیات و نشانه هایی برای مردم با ایمان است.

و در سوره «ملک» آیه ۱۹ «مَامِمْسَكِينَ إِلَّا الزَّحْمَنَ» آمده است. و جامع ترین آیه ای که این قسمت را تبیین می نماید آیه ۲۵ سوره «روم» است «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِ نَوْمٍ إِذَا دَعَاكَ مِنْ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ» و یکی از آیات قدرت خدا این است که آسمان و زمین به امر او ایستاده اند سپس در محشر که شما را از خاک فرا خوانند، همگی سر از قبرها بیرون می آورید.

در سوره «یس» می فرماید: «أَمَّا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»، و سپس براین امر چنین تفریح فرموده: «سُبْحَانَ الَّذِي بَدَأَ مَلَكُوتَ كُلِّ شَيْءٍ<sup>۸</sup> كُلَّ شَيْءٍ مِمَّا تَخْلُقُ بِالشَّمْسِ وَالْقَمَرِ إِنَّ أَمْرَهُمْ فِي كَفِّهِمْ يَوْمَ يَكُونُ لِمَن يَأْمُرُهُمْ اللَّهُ بِمَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ»<sup>۹</sup>

### ستون آسمان و زمین

بنابراین آسمان و زمین اگر بی ستون باشد به امر الله است و چنانچه با ستون هم باشد به امر اوست ولی ظاهراً آن است که به امر و اراده تکیه کرده، اراده ای که عین «کُن» است و منزّه از تدرج می باشد که همان ملکوت است و ملکوت آسمانها و زمین بدمست خداست، و ملکوت کل شئی و نگهبان ملک کل شئی «الله» است. پس «بغیر عمد ترونها»، نه اینکه ستونی دارد که از دید شما پنهان است، اگر آن ستون را جاذبه تصور کنید، خود جاذبه را هم نیروی دیگر لازم است که آن را محافظت نماید، پس کل آسمانها و زمین را اگر جاذبه نگهدارند مجموع آنها و جاذبه را امر الهی نگه می دارد و به امر او ایستاده اند.

و تمام مجموعه این کیهان را امر او حفظ کرده است، و در سوره «حج» همان تعبیری را که در سوره «نحل» درباره پرندگان دارد در مورد آسمان به کار برده است «وَيَمَسُّكَ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ الْأَبَاقُ»<sup>۱۰</sup> آسمان را نگه می دارد تا اینکه بر زمین جز به فرمان او فرو نیفتد.

و در آیه الکافی نیز این آیه تأیید براین معنی است که حتی ستون نامرئی هم در کار نمی باشد: «وَلَا يَزِيدُهُنَّ حِفْظُهُمَا» و بزرگت نمی اندازد حفظ زمین و آسمانها او را، چرا که به امر خدا ایستاده اند و امر خداوندی که قادر محض است خستگی نمی آورد و ظاهر آن این است که حفظ آنها بدون واسطه است. چرا که خداوند «فَاعِلٌ لِأَبَالِ الْحَرَكَهَاتِ» است یعنی بوسیله حرکت کاری را انجام نمی دهد تا خسته شود بلکه به صرف اراده کار می کند، اراده هم خستگی آور نیست، شما چه الآن اراده کنید یک قطره آب را و چه اراده نمائید ایقانوس اطلس را، هر دو را در آنوقتشان با اراده احداث و انشاء کرده اید و برایشان خستگی نمی آورد، بنابراین حفظ آسمانها و زمین برای خداوند دشوار نیست و به اراده او متکی می باشد.

اگر پرنده در هوا می پرد تکیه گاه او هوا نیست، چرا که هوا عنصر بیگانه با خود را از حریم خویش دفع می نماید و جاذبه زمین آن را بسوی خود می کشد بنابراین هوا پرندگان را نگه می دارد، لذا فرمود خداوند پرنده را امساک و نگه داری می نماید.

### ادامه دارد

۱- سوره صافات آیه ۶.	۶- سوره انبیاء آیه ۳۲.
۲- سوره بقره آیه ۲۶۰.	۷- سوره نحل آیه ۷۹.
۳- سوره انبیاء آیه ۳۰.	۸- سوره یس آیه ۸۲.
۴- سوره فضلت آیات ۱۲- ۱۱.	۹- سوره حج آیه ۶۵.
۵- سوره بقره آیه ۲۹.	

